



چالش‌های اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در شرکت ملی حفاری ایران

مهدی اسماعیلی^۱ ■ معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ اول خرداد ماه سال ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد. بر اساس سیاست‌های این اصل که بندهای «الف»، «ب»، «د» و «ه» آن در تاریخ یاد شده و بند «ج» آن نیز در چهارم تیرماه سال ۱۳۸۵ ابلاغ گردید، نقش دولت باید از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه‌ها به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت تغییر یابد. از آن زمان تاکنون درباره اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بحث‌های بسیاری مطرح شده و نظرات مختلفی ارائه گردیده است.

هدف از اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، توانمند سازی بخش خصوصی، ارتقاء کارایی و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی و جلوگیری از ایجاد انحصار و غیره می‌باشد. بنابراین پرواضح است که هدف از اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، تنها واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری نیست. چنانچه اگر واگذاری به ایجاد انحصار بیش‌تر و کاهش بهره‌وری بنگاه‌ها منجر گردد، اهداف این سیاست‌ها محقق نشده است.

یکی از مشکلات و چالش‌های مهم خصوصی‌سازی در مقطع کنونی، سرمایه‌پذیر نبودن و سرمایه‌گذار پذیر نبودن فضای موجود است. برخی از مهم‌ترین علل این امر را می‌توان مربوط به ناتوان بودن بخش خصوصی در به خدمت گرفتن فن‌آوری‌های روز، ضعف

در تأمین منابع مالی لازم، رقابت غیر منصفانه بخش دولتی در شبکه عرضه و بخش شبه‌دولتی در فرآیند واگذاری و مشخص نبودن جایگاه مالکیت‌ها و مدیریت‌ها در بنگاه‌های واگذار شده و در شرف واگذاری دانست. پیش از واگذاری بنگاه‌های دولتی، ایجاد فضای اطمینان بخش برای حضور بخش خصوصی، فراهم آوردن امنیت سرمایه‌گذاری، اصلاح مقررات دست و پاگیر به منظور فعال کردن قوای اقتصادی، فراهم کردن زمینه حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بخش‌های مختلف صنعتی، پژوهشی و توسعه و تلاش برای گسترش فن‌آوری از ضرورت‌های مهم به حساب می‌آیند. اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، گام مهمی در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد ملی و برقراری توسعه پایدار به همراه تحقق عدالت اجتماعی در کشور می‌شود. اجرای این سیاست‌ها موجب می‌شود صنایع بزرگی هم‌چون بانک‌ها، بیمه‌ها، هواپیمایی، خودرو و برق که تاکنون به دلیل وجود ساختارهای پیچیده بوروکراتیک، بهره‌وری پایینی داشته‌اند، دچار تغییر و تحول و پویایی شده و با افزایش بهره‌وری و کارایی، به رونق فضای اقتصادی کشور کمک کنند. از این رو، با کاهش تصدی‌گری دولت، سیاست‌گذاری، هدایت‌گری و نظارت بر صنایع یاد شده از سوی دولت مشاهده خواهد شد؛ اما اجرا و پیاده‌سازی این قانون به راه‌کارها، تدابیر و سیاست‌های کارشناسانه و مدیران‌های نیاز دارد.

هم‌اکنون اجرای عملیات حفاری به منظور اکتشاف، توسعه، توصیف و بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز و ترمیم و تعمیر آن‌ها و ایجاد چاه‌های تزریقی و انجام کلیه خدمات تخصصی مربوطه توسط مدیریت عملیات حفاری شرکت ملی حفاری ایران انجام می‌شود. این اقدامات، قلمرو خشکی و فلات قاره کشور را در بر می‌گیرد. شرکت ملی حفاری ایران به‌عنوان مولود انقلاب اسلامی، به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) در اول دی‌ماه سال ۱۳۵۸ تأسیس گردید. ناوگان مدیریت عملیات حفاری شرکت ملی حفاری ایران با به‌کارگیری ۴۳ دستگاه حفاری خشکی و ۴ دستگاه حفاری دریایی در راستای برنامه توسعه اقتصادی و سیاست افزایش تولید نفت و همچنین گسترش فعالیت‌های برون مرزی، به‌عنوان یکی از کانون‌های اساسی در فرآیند تولید، به سه شاخه مدیریت عملیات حفاری ۱، مدیریت عملیات حفاری ۲ و مدیریت عملیات حفاری دریا تقسیم شده است. هر کدام از این مدیریت‌ها به‌صورت شبانه‌روزی و آقماری، اجرای عملیات حفاری نفت و گاز را از آغاز حفر چاه تا نقطه نهایی بر عهده دارند [۱].

با توجه به نقش حیاتی صنعت نفت در اقتصاد کشور و نیاز به افزایش تولید نفت و گاز، سرمایه‌گذاری در این صنعت به‌ویژه توسط بخش خصوصی ضروری است و این امر بدون حمایت دولت از بخش خصوصی امکان‌پذیر نخواهد بود. سرعت توسعه در صنایع

نفت و گاز بیش از آنچه که تصور می‌شود به حفاری وابسته است؛ چرا که حفاری به تنهایی ۴۰ درصد یک پروژه انرژی را به خود اختصاص می‌دهد [۲]. از سوی دیگر باید توجه داشت که در میان بخش‌های مختلف صنعت نفت، خصوصی‌سازی بخش حفاری از پیچیدگی‌هایی برخوردار است که آن را از سایر بخش‌ها متمایز می‌کند.

هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی وزارت نفت، توسعه میدان‌های نفتی و گازی به‌ویژه میدان مشترک و همچنین تولید و برداشت صیانتی از مخازن می‌باشد. روشن است که برای رسیدن به این اهداف مهم باید از دروازه طلایی صنعت حفاری گذشت. صنعت نفت کشور برای حفظ تولید کنونی خود در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، نیازمند حفاری‌های جدید است. هم‌اکنون برای توسعه بسیاری از مخازن و میدان‌های کشور که برخی از آن‌ها هم‌چون پارس جنوبی، فروزان، اسفندیار، سلمان و آزادگان با کشورهای همسایه مشترک است، بیش از گذشته به صنعت حفاری نیاز است. در حال حاضر در سواحل شمالی خلیج فارس (ایران) با وجود تعداد چشمگیری میدان دست‌نخورده و نیازمند حفاری، تنها ۱۳ دکل دریایی مشغول به کار هستند، در حالی که در بخش عربی خلیج فارس افزون بر ۸۰ دکل حفاری مشغول به فعالیتند [۳]. از سوی دیگر با وجود این که ایران ۳۰ درصد از سهم منابع نفت و گاز خلیج فارس را به خود اختصاص



اولویت واگذاری قرار گیرند و در مرحله بعد مجتمع‌های تولید کننده خوراک سایر مجموعه‌ها و در نهایت شرکت‌های قابل واگذاری فعال در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز.

همچنین در سال‌های ابتدایی فرآیند خصوصی‌سازی، واگذاری بنگاه‌های کوچک‌تر باعث تقویت بخش خصوصی و توانمند شدن آن گردیده و در سال‌های بعد می‌توان به اطمینان، بنگاه‌های بزرگ و مهم را نیز به این بخش واگذار کرد. اما در صورت عدم توانمندی بخش خصوصی برای در اختیار گرفتن صنایع بالادستی که شرکت ملی حفاری ایران نیز جزئی از بنگاه‌ها، نهادهای عمومی غیردولتی و بنگاه‌های شبه دولتی خواهند بود و بخش خصوصی حقیقی از حضور در این بازار مهم محروم خواهد ماند.

مطابق آمار منتشره از سوی سازمان خصوصی‌سازی، طی سال‌های گذشته، تنها حدود ۳۳ درصد از واگذاری‌های انجام گرفته مربوط به بخش خصوصی واقعی (اشخاص حقیقی و حقوقی و سهامداران خرد) بوده و ۵۰ درصد از واگذاری‌ها به سهام عدالت و ۱۷ درصد از آن‌ها نیز بابت رد دیون دولت به نهادهای عمومی غیردولتی نظیر سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی، نیروهای مسلح و ... اختصاص داشته است که همگی این نهادها نیز پشتوانه دولتی داشته و در تصدی دولت می‌باشند. جدول ۱ میزان واگذاری‌های انجام گرفته و سهم هر بخش را به تفکیک نشان می‌دهد.

حقیقت این است که با واگذاری بنگاه‌ها به سهام عدالت و رد دیون و واگذاری به نهادهای عمومی غیردولتی، مدیریت بنگاه‌ها در اختیار دولت باقی می‌ماند و تصدی‌گری دولت کاهش نمی‌یابد. در نتیجه، کاهش تصدی‌گری دولت که یکی از مهم‌ترین اهداف اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد محقق نگردیده است.

حوزه خشکی کشور، تأمین دکل‌های حفاری هم‌چنان با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. هر چند شرکت ملی حفاری ایران توانسته است با رویکردی مناسب، در راستای بومی‌سازی صنعت حفاری و ساخت دکل‌های حفاری در خشکی، بخش اعظمی از نیازهای حفاری در این بخش را پاسخگو باشد، ولی این میزان کافی نیست و لزوماً تقویت و ورود بخش خصوصی در این مسیر، می‌تواند چاره‌ساز و مؤثر باشد.

به‌طور کلی می‌توان وظایف و فعالیت‌های وزارت نفت را به سه دسته فعالیت‌های پایین دستی مانند کارخانجات و مجتمع‌های پتروشیمی، فعالیت‌های میان دستی مانند خطوط لوله انتقال نفت و گاز و پالایشگاه‌ها و همچنین فعالیت‌های بالادستی مانند توسعه میادین نفتی و گازی تقسیم‌بندی کرد. یکی از موضوعاتی که به‌نظر می‌رسد در واگذاری بنگاه‌های دولتی در صنعت نفت مورد غفلت واقع شده است، رعایت ترتیب‌ها و حفظ زنجیره ارزش صنایع نفت و گاز در واگذاری‌ها است. بدین معنی که در روند واگذاری شرکت‌های تابعه وزارت نفت، اولویت با بخش‌های میان دستی و پایین دستی است؛ چرا که به‌نظر می‌رسد با ورود بخش خصوصی در این عرصه، کارایی و بهره‌وری افزایش می‌یابد. از این‌رو ابتدا باید واحدهای تولید کننده محصولات نهایی در

اجاره دکل‌ها و هزینه‌های بالای ورود به این فعالیت‌ها از دلایلی است که شرکت‌های خصوصی را برای حضوری گسترده در این صنعت با چالش جدی مواجه کرده است. پرواضح است که یکی از گلوگاه‌های اصلی افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز کشور، بخش حفاری است. در این میان با توجه به اهمیت چشم‌گیر میدان‌گازی پارس جنوبی و ضرورت برداشت هر چه بیش‌تر از این میدان و همچنین برای جلوگیری از هدررفت زمان در بهره‌برداری از بزرگ‌ترین میدان مشترک گازی جهان، کشور نیازمند برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در صنعت حفاری است.

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور از سال آینده در حالی آغاز می‌شود که در حوزه صنایع نفت و گاز، روند پروژه‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری‌های گسترده رشد قابل توجهی دارد. بنابراین تقویت و افزایش توان ناوگان حفاری کشور در خشکی و دریا به یک ضرورت اساسی تبدیل شده است. به‌طوری که به‌گفته مسؤلان ذی‌ربط، برای تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه در حوزه دریایی به حدود ۳۴ دستگاه حفاری دریایی و در حوزه خشکی به ۱۰۸ دکل نیاز است [۵].

به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در

داده است، تنها حدود ۱۰ درصد از سهم حفاری این منطقه را در اختیار دارد [۴]. تعداد دکل‌های حفاری به‌کار گرفته شده در میدان‌های نفت و گاز به‌طور معمول شاخص مطلوبی برای ارزیابی توسعه میدان‌ها و در نهایت بهره‌برداری بیش‌تر از منابع هیدروکربوری به‌شمار می‌آیند، تا آن‌جا که بهره‌برداری از تعداد بیش‌تری از دکل‌های حفاری در مخازن مشترک می‌تواند نویدبخش بهره‌برداری بیش‌تر از منابع آن میدان در مقایسه با طرف رقیب باشد.

با وجودی که تعداد دکل‌های حفاری خشکی ایران حدود ۶۶ دکل است، اما سهم سواحل جنوب کشور تنها حدود ۱۳ دکل می‌باشد. هم‌اکنون در کشور رقیب ایران در میدان مشترک پارس جنوبی (قطر)، حدود ۲۰ دستگاه دکل حفاری دریایی در حال فعالیتند و این در حالی است که ایران در این میدان مشترک تنها دارای دو دکل است [۲]. از این‌رو نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بیش‌تر در این عرصه به شدت احساس می‌شود و باید اعتراف کرد که بخش حفاری از بهترین بخش‌های صنعت نفت برای سرمایه‌گذاری است. با این وجود به نظر می‌رسد که بخش خصوصی از توانایی فنی و سرمایه‌ای لازم برای حضور پرقدردر این عرصه برخوردار نمی‌باشد. نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان در خرید یا

۱ | آمار واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی تا تاریخ ۱۵/۶/۸۹ [۶]

بخش	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	جمع کل
	میزان (میلیارد ریال)	-	۲۱۷۳۵	۱۷۷۴۳۷	۱۴۲۹۳۶	-	-
درصد	-	۳/۲	۲۵/۹	۲۰/۹	-	-	۴۹/۹
میزان (میلیارد ریال)	۷۴۶	۳۶۵۵	۴۵۰۱۸	۴۰۷۶۳	۱۱۹۸۸۳	۱۴۳۳۱	۲۲۴۴۱۵
درصد	۰/۱	۰/۵	۶/۶	۵/۹	۱۷/۵	۲/۱	۳۲/۸
میزان (میلیارد ریال)	-	-	۲۷۴۸۲	۳۱۲۴۰	۵۹۹۲۰	-	۱۱۸۶۴۲
درصد	-	-	۴	۴/۶	۸/۷	-	۱۷/۳
میزان (میلیارد ریال)	۷۶۴	۲۵۳۹۰	۲۴۹۹۳۷	۲۱۴۹۳۹	۱۷۹۸۰۳	۱۴۳۳۱	۶۸۵۱۶۵
درصد	۰/۱	۳/۷	۳۶/۵	۳۱/۴	۲۶/۲	۲/۱	۱۰۰



اصل ۳۸ قانون اصلاح موادی از برنامه چهارم توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید می‌نماید که "واگذاری نباید به‌گونه‌ای باشد که موجب تداوم مالکیت و مدیریت دولت گردد". گزارش اخیر دیوان محاسبات کل کشور که در مهرماه سال ۱۳۸۹ به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید و همچنین گزارش کمیسیون ویژه نظارت بر اجرای اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی بر این مهم تأکید دارند که دولت باید به دنبال راه‌هایی برای افزایش سهم بخش خصوصی حقیقی و کم کردن سهم نهادهای عمومی غیردولتی باشد.

یکی از چالش‌هایی که در صورت واگذاری شرکت ملی حفاری ایران به بخش‌های شبه‌دولتی و نهادهای عمومی یا بخش‌های خصوصی که شناخت کافی از صنعت حفاری ندارند، ایجاد می‌شود، کاهش بهره‌وری و بالطبع افزایش هزینه‌های حفاری و اثر مستقیم آن در افزایش هزینه‌های تولید نفت‌خام و گاز طبیعی در کشور خواهد بود. چرا که به علت حساسیت بالای صنعت حفاری، عدم شناخت دقیق از این صنعت در مجموعه مدیریتی آن، می‌تواند اثرات بسیار نامطلوبی را پدید آورد.

اما پرسش اساسی که با توجه به ناتوانی بخش خصوصی در تصدی شرکت ملی حفاری از یک سو و ضرورت حضور این بخش در صنعت حفاری از سوی دیگر پیش می‌آید این است که چه باید کرد؟ در ادامه سعی می‌گردد که در حد توان به این پرسش اساسی پاسخ داده شود.

مطابق بند «۴» ماده «۲» قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت‌های «شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت‌خام و گاز» جزء فعالیت‌های گروه ۳ طبقه‌بندی شده و از شمول واگذاری خارج گردیده‌اند [۷].

شرکت ملی حفاری ایران نیز به دلیل نوع فعالیت، در زنجیره استخراج و

تولید نفت‌خام و گاز قرار دارد و مطابق قانون یاد شده باید از واگذاری مستثنی می‌گردد؛ اما بر اساس پیوست شماره ۳ آیین‌نامه اجرایی، تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هریک از سه گروه مصرح در ماده ۲، مصوب وزیران عضو کارگروه تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، این شرکت در گروه ۳ فعالیت‌ها قرار گرفت که باید صد در صد آن به بخش خصوصی واگذار گردد [۸]. ۳۰ درصد از سهام این شرکت در سال ۱۳۸۶ به سهام عدالت، اختصاص یافت و واگذاری باقی سهام آن نیز در برنامه واگذاری هیأت عالی واگذاری تا پایان سال ۱۳۸۹ قرار گرفته است.

در حال حاضر واگذاری ۳۰ درصد از سهام شرکت ملی حفاری ایران به سهام عدالت، آثار زیانبار خود را آشکار نموده است. چرا که با فرسوده شدن تأسیسات موجود و نیاز به توسعه و تجهیز این تأسیسات و عدم توان سرمایه‌گذاری سهامداران سهام عدالت به میزان سهم‌الشرکه خود، توسعه و خرید دکل‌های جدید و تجهیزات مورد نیاز این شرکت با چالش‌های جدی مواجه شده است. همان‌گونه که در ابتدای این مطلب نیز عنوان شد، به منظور تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه در بخش اکتشاف و حفاری، به بیش از ۱۴۰ دستگاه دکل حفاری خشکی و دریایی نیاز است و با تأخیر در تأمین تجهیزات مورد نیاز، تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه و به دنبال آن، رسیدن به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد. از این رو پیشنهاد اصلاح مصوبه هیأت عالی واگذاری مبنی بر واگذاری ۳۰ درصدی سهام شرکت ملی حفاری ایران به سهام عدالت را نباید از نظر دور داشت.

در حال حاضر حدود ۹۰ درصد از عملیات حفاری کشور توسط شرکت ملی حفاری ایران انجام می‌گیرد و

واگذاری آن به بخش خصوصی، حتی در شرایط آرمانی و ایده‌آل می‌تواند باعث پدید آمدن انحصار در بازار و بالطبع ایجاد مشکلاتی از قبیل افزایش هزینه‌های حفاری، تک قطبی شدن موضوع مورد فعالیت و حتی پدید آمدن مشکلات امنیتی و استراتژیک جبران‌ناپذیر گردد. به منظور جلوگیری از ایجاد انحصار در موارد این چنینی، قانون پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده است. مطابق بند «ج» ماده «۱۹» قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی «در مواردی که واگذاری شرکت دولتی در چارچوب بند «۱۲» ماده «۱» این قانون موجب انتقال موقعیت انحصاری شرکت دولتی به بخش‌های غیردولتی می‌شود، هیأت واگذاری می‌تواند در جهت کاهش سهم بازار بنگاه قابل واگذاری یا افزایش بهره‌وری آن نسبت به تفکیک و تجزیه شرکت، اتخاذ تصمیم نماید و سپس حکم به واگذاری شرکت دهد.»

به اعتقاد کارشناسان، صنعت حفاری به دلیل حساسیت و پیچیدگی‌های فنی باید با مدیریت و راهبرد هدفمند دولت اداره شود و ستاد فرماندهی آن از حیثه اختیار وزارت نفت خارج نگردد. چرا که در غیر این صورت خسارات بسیار سنگینی به پیکره صنعت نفت کشور وارد خواهد شد که جبران آن بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد شرکت ملی حفاری ایران بر اساس فعالیت‌های تحت حوزه مسئولیت خود از قبیل عملیات حفاری، تعمیرات، خدمات فنی چاه‌ها و غیره، به چند شرکت مجزا تجزیه شده و این شرکت‌ها با رعایت ترتیبات خاص، به صورتی که واگذاری مواردی که در اولویت واگذاری قرار می‌گیرند، کم‌ترین تأثیر را در روند عملیات حفاری میداین در حال توسعه کشور داشته باشند، واگذار گردند. به عنوان مثال می‌توان ابتدا فعالیت‌هایی نظیر تعمیرات و پس از آن خدمات فنی چاه‌ها و در نهایت فعالیت‌های عملیات حفاری را در قالب یک شرکت مجزا

در لیست واگذاری قرار داد. پیشنهاد می‌شود که قسمتی از فعالیت‌های مربوط به عملیات حفاری به دلیل حساسیت بالای این عملیات و در جهت تنظیم بازار این فعالیت و تعدیل قیمت و هزینه‌های حفاری در کشور به صورت شرکتی مجزا تحت عنوان «شرکت ملی عملیات حفاری ایران» در اختیار دولت باقی بماند.

در پایان یادآور می‌شود که اصولاً خصوصی‌سازی روندی است که سال‌ها در بسیاری از کشورها انجام شده یا در حال انجام است؛ ولی اکثر کشورها با پرهیز از شتاب‌زدگی، مطالعات وسیعی را در تمامی زمینه‌ها انجام داده و فرهنگ‌سازی گسترده‌ای را صورت بخشیده و بر عنصر مدیریت و تربیت نیروی انسانی متخصص برای اداره بنگاه‌های اقتصادی با رویکردی خصوصی بسیار کار کرده‌اند. متأسفانه در حال حاضر، این عوامل در فرآیند خصوصی‌سازی کشور، کم‌تر لحاظ می‌شوند.

◆ منابع

- [۱] سایت شرکت ملی حفاری ایران <http://www.nidc.ir>
- [۲] گزارش "ضرورت هدایت منابع مالی به سوی سرمایه‌گذاری در صنعت حفاری" پایگاه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، سرمقاله ۱۶ فروردین ۱۳۸۸، مهندس امیرحسین هاشمی جاوید
- [۳] گزارش "نگاهی به پتانسیل‌های حفاری؛ مهم‌ترین ارکان توسعه میداین نفتی و گازی" مهدی افشار نیک، ۳۰ بهمن ۱۳۸۸
- [۴] امکان‌سنجی ساخت دستگاه‌های حفاری دریایی در ایران، دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۸۳۶۳، خرداد ۱۳۸۶
- [۵] پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت ملی نفت ایران، مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران، مرداد ماه ۱۳۸۹
- [۶] آمار منتشره از سوی سازمان خصوصی‌سازی، <http://www.ipoi.ir>
- [۷] قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- [۸] تصویب‌نامه شماره ۱۱۵۳۲۰/ت ۴۴۳۱۸ مورخ ۸۸/۶/۷ کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی